

### متن پرسش

با سلام خدمت جنابعالی: استاد مطهری در یکی از کتابهایشان در روایتی از حضرت امام رضا (ع) وقتی از ایشان در مورد قبول ولایتهدی مامون سوال کردند ضمن توضیح شرایط، خویش را با زمان حضرت یوسف(ع) مقایسه نموده و در ادامه مقام حضرت یوسف (ع) را بالاتر از امامان دانستند هر چند که در کتاب اصول کافی هم بارها این مطلب از قول ائمه آمده است. پس چرا اینقدر ما شیعیان بخصوص ایرانیان در اکثر بیانات از تریبونها و مناظر مختلف امامان را برتر از پیامبران به غیر از حضرت محمد(ص) می دانیم و اصلاً چرا اینقدر شیعه روی برتری ها تاکید می کند؟ وقتی که خوب و عمیق به سیره همه پیامبران و امامان می نگریم متوجه می شویم آنها اصلاً در بیان برتری یکی به دیگری نبوده اند. انگار سیره ایشان فراموش شده و فقط در پی بیان مناقب و معجزات هستیم هر چند که آخرین پیامبر الهی معجزه شان فقط قرآن بوده و همانطورکه همه می دانند معجزه یعنی خرق عادت و حالت استثنا دارد و همیشگی نیست. کاش روزی برسد که این بندگان بزرگ را فقط به عنوان یک انسان کامل معرفی می کردیم نه آسمانی. این بزرگواران قطعاً بخاطر لیاقتهایی که در زندگی داشتند به این درجه رسیده اند آیت الله امینی در کتاب بانوی نمونه اسلام می فرماید روزی امام حسن (ع) بر دوش پیامبر بود و دانه ای خرما که از بابت ذکات در اختیار رسول خدا (ص) بود برداشته بر دهان گذاشته و می خورد پیغمبر مکرم اسلام دست در دهان ایشان کرده و فرمودند حسن جان مگر نمی دانی که آل محمد صدقه نمی خورند. آیت الله امینی در ادامه می فرماید امام حسن (ع) کودک نابالغی بود و تکلیف نداشت در اینجا چند چیز به وضوح نمایان می گردد یکی آنکه ندانستن هم در کودکی مانند تمام کودکان کل جهان در امام حسن (ع) هم وجود داشته است و همینطور نابالغی مانند تمام کودکان که اینها همه از نظم خالق یکتاست که حتی سن بلوغ برای دختران و پسران هم در دو سن مختلف پدیدار می شود. چرا ما شیعیان چندین هزار سال است می خواهیم بگوییم خدای یکتا نظم هستی را به خاطر ۱۴ نفر تغییر داده. امام حسن که نابالغی آن قطعاً وجود داشته چگونه پذیرفتنی است اعراب و انسانها از سه کودک زیر ۱۰ سال یعنی امام جواد (ع) امام هادی (ع) و امام مهدی (عج) که به سن بلوغ نرسیده اند بتوانند بعنوان امام پیروی کنند اگر این فرض هم مثل تمام توجیهات علمای شیعه پذیرفته گردد پس اینجا می ماند فقط عامل وراثت پس لیاقت فردی برای رسیدن به صفت ولایت چه می شود؟ برآستی اگر اینگونه است در زمان پیامبر چندین امام وجود داشته امام علی (ع) امام حسن (ع) و امام حسین (ع)؟ خواهشمند است این مورد شبهه مطرح شده را توضیح دهید؟

باسمه تعالی: سلام علیکم: موضوع امامت چند ضلع دارد و سعی شده در کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» که بر روی سایت هست بدان پرداخته شده. از یک طرف آن‌ها هم مثل ما یک انسان عادی هستند و خودشان هم دوست دارند مثل انسان‌های عادی زندگی کنند، از یک طرف طبق آیهی ۳۳ سورهی احزاب خداوند اراده کرده است اهل‌البیت «علیهم‌السلام» را از هرگونه رجس و آلودگی پاک کند تا نمونهی زندگی دینی مورد قبول در منظر انسان‌ها باشد. از طرف دیگر در بعضی از مراحل تاریخی همان‌طور که در جواب سؤال شمارهی ۱۲۰۱۲ عرض شد ضرورت دارد که خداوند برای نجات مردم از طریق نو جوان ۹ ساله توجه‌ها را به حقیقت امامت جلب کند. لذا باید موضوع را از زوایای مختلف دید، ولی در هر حال قرآن و اهل‌البیت «علیهم‌السلام» ما را دعوت به تعقل کرده‌اند تا با فهم خود و تدبّر در قرآن راه سعادت را بیابیم و در همان قرآن جایگاه سخن‌گفتن حضرت عیسی «علیه‌السلام» در گهواره را نیز ارزیابی کنیم. بنده چندسال پیش با یک جوان که در مقطع راهنمایی بود روبه‌رو شدم که نظرات علامه طباطبایی «رحمة‌الله‌علیه» به او القاء می‌شد و او به خوبی اظهار می‌کرد؛ که بحث آن مفصل است و در چندین جلسه این موضوع اتفاق افتاده. البته نمی‌خواهم موضوع امام را با آن جوان مقایسه کنم ولی در آن حدّ که انسان را به فکر فرو برد که چگونه خداوند برای هدایت بشر اقدام می‌کند، عرض کردم. موفق باشید